



### بسم الله الرحمن الرحيم

عرض کردیم کسی که یک روز و یا روزهایی از ماه رمضان را روزه نگرفته است گاهی فقط قضا بر او واجب است و گاهی فقط فدیة و در بعضی موارد نیز هر دو لازم است. بعضی از مسائل را خواندیم از جمله کسانی که فقط فدیة به گردنش است و نه قضا کسی است که به دلیل مرض نتوانسته روزه بگیرد و مرضش تا سال بعد استمرار پیدا کرده است البته شیخ و شیخه هم همین حکم را دارند. خوب و اما فردی که مسافر است و چند روزی را روزه نگرفته است و این سفر تا رمضان سال بعد ادامه داشته است فقط باید قضا را به جا آورد و فدیة به گردنش نیست. و اما موردی که هم قضا دارد و هم کفاره صاحب عروة در این مورد می فرماید؛ (مسئله ۱۴): «إذا فاته شهر رمضان أو بعضه لا لعذر بل كان متعمداً في الترك ولم يأت بالقضاء إلى رمضان آخر وجب عليه الجمع بين الكفارة و القضاء بعد الشهر. این مسئله در مورد کسی است که عمداً در ماه رمضان افطار کرده است و بعد تا ماه رمضان سال بعد قضاى آن را به جا نیاورده است چنین شخصی هم قضا را باید به جا آورد و هم کفاره ترک عمدی ماه رمضان را (شصت روز روزه و اطعام شصت مسکین) و علاوه بر آن مرحوم سید می فرماید؛ باید کفاره ی تاخیر را که یک مد طعام است پرداخت کند. باید توجه داشت که هر چند لازم نیست قضاى روزه را فوراً فوراً بگیرند ولی نباید تا ماه رمضان سال بعد آن را به تاخیر بیندازند. صاحب عروة در ادامه ی مسئله آن را به چند شق تقسیم می کند؛ اول اینکه او عزم و تصمیم گرفته است که قضاى آن را تا ماه رمضان سال بعد به جا نیاورد. دوم اینکه او چنین عزمی ندارد ولی همچنان تنبلی کرده به تاخیر می اندازد، صاحب عروة در این دو صورت قائل است که هم قضا بر گردن اوست و هم کفاره ی تاخیر. صورت سوم این است که شخصی به دلیل مسافرت روزه اش را نگرفته و عزم جدی دارد که تا ماه رمضان بعدی روزه اش را بگیرد ولی مانعی برایش بوجود آمده و نتوانسته

روزه بگیرد، صاحب عروة قائل است که کفاره تاخیر بر گردن او نیست ولی احوط این است که کفاره بدهد.

اما فرع اول؛ در مورد کسی است که عمداً روزه نگرفته و تا سال بعد هم قضاى آن را به جا نیاورده که گفتیم او هم باید قضا را بپردازد. امام قدس سره هم به همین قائل است ولی آیه الله بروجردی در این مورد قائل است که اقوی عدم وجوب فدیة است. خوب و اما عرض کردیم اخباری که بر این مطلب دلالت دارند در باب ۲۵ از ابواب احکام شهر رمضان ذکر شده اند، خبر اول از این باب ۲۵ ای ن خبر است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَأَلْتُهُمَا عَنْ رَجُلٍ مَرَضَ فَلَمْ يَصُمْ حَتَّى أَدْرَكَهُ رَمَضَانُ آخِرُ فَقَالَ إِنْ كَانَ بَرَأَ ثُمَّ تَوَانَى قَبْلَ أَنْ يُدْرِكَهُ الرَّمَضَانُ الآخِرُ صَامَ الَّذِي أَدْرَكَهُ وَ تَصَدَّقَ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ عَلَى مَسْكِينٍ وَ عَلَيْهِ قِصَاؤُهُ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَزَلْ مَرِيضًا حَتَّى أَدْرَكَهُ رَمَضَانُ آخِرُ صَامَ الَّذِي أَدْرَكَهُ وَ تَصَدَّقَ عَنِ الْأَوَّلِ لِكُلِّ يَوْمٍ مَدًّا عَلَى مَسْكِينٍ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ قِصَاؤُهُ». همانطور که می بینید این روایت تصریح می کند به اینکه اگر کسی در یک ماه رمضان قضایی به گردنش افتاد و تا سال بعد نگرفت (اگر مریضی اش استمرار نداشت) هم باید قضا را به جا آورد و هم کفاره را که یک مد طعام است برای هر روز بدهد.

خبر بعدی خبر ۲ از همین باب ۲۵ می باشد، خبر این است: «عَنْهُ (کلینی عن علی بن ابراهیم) عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ (النبشاپوری که استاد کلینی است) عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي الرَّجُلِ يَمْرُضُ فَيُدْرِكُهُ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ يَخْرُجُ عَنْهُ وَ هُوَ مَرِيضٌ وَ لَا يَصِحُّ حَتَّى يُدْرِكَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ آخِرُ قَالَ يَتَصَدَّقُ عَنِ الْأَوَّلِ وَ يَصُومُ الثَّانِي فَإِنْ كَانَ صَحَّ فِيمَا بَيْنَهُمَا وَ لَمْ يَصُمْ حَتَّى أَدْرَكَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ آخِرُ صَامَهُمَا جَمِيعًا وَ تَصَدَّقَ عَنِ الْأَوَّلِ».

خبر بعدی خبر ۶ از همین باب است، خبر این است: «عَنْهُ (شیخ طوسی عن حسین بن سعید) عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ (علی بن ابی حمزه ی بطائنی که بعداً واقفیه شد) عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

أَحَبُّ لَهُ تَعْجِيلَ الصِّيَامِ فَإِنْ كَانَ آخِرَهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ». . این خبر سندا ضعیف است و بعلاوه معرض عنه اصحاب است از این رو آن را کنار می گذاریم و نمی تواند با آن اخبار مذکور تعارض کند ، بقیه بحث بماند برای جلسه بعد ... .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخرأ و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

ع) قَالَ إِذَا مَرِضَ الرَّجُلُ مِنْ رَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ ثُمَّ صَحَّ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ لِكُلِّ يَوْمٍ أَفْطَرَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٍ وَهُوَ مُدٌّ لِكُلِّ مَسْنَكِينَ قَالَ وَكَذَلِكَ أَيْضاً فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ وَكَفَّارَةِ الظَّهَارِ مُدًّا مُدًّا وَإِنْ صَحَّ فِيمَا بَيْنَ الرَّمَضَانَيْنِ فَإِنَّمَا عَلَيْهِ أَنْ يَقْضِيَ الصِّيَامَ فَإِنْ تَهَاوَنَ بِهِ وَقَدْ صَحَّ فَعَلَيْهِ الصَّدَقَةُ وَالصِّيَامُ جَمِيعاً لِكُلِّ يَوْمٍ مُدًّا إِذَا فَرَعَ مِنْ ذَلِكَ الرَّمَضَانَ». . آیه الله بروجردی قائل است که سند به خاطر علی بن آبی حمزه بطائنی ضعیف است ، به هر حال این سه روایت مربوط به مریض است ولی امام قدس سره قائل است که این روایات ترک عمدی را هم شامل می شود (در صورتی که بعد از ترک فرد مریض شود و تا سال بعد نتواند روزه بگیرد) ، اما آیه الله بروجردی قائل است که چنین نیست و در نتیجه در فرض مزبور فقط قضا به گردن فرد واجب است ایشان قائل است که مورد این روایات فقط کسی است که از روی عذر و اینکه مریض شده است روزه نگرفته و بعد مرضش تا سال بعد ادامه یافته است و مورد ترک عمدی روزه را شامل نمی شود در نتیجه در ترک عمدی روزه فدیة ای وجود ندارد .

بعد صاحب عروة اضافه می کند : « و كذا إن فاتته لعذر ألف بل ارتفع في أثناء السنة و لم يأت به إلى رمضان آخر متعمدا و عازما على الترك أو متسامحا و اتفق و لم يستمر ذلك العذر عند الضيق فإنه يجب حينئذ الجمع ». صاحب عروة در این مورد دو فرع را متذکر می شود اول اینکه فردی است که عزم و تصمیم گرفته است که قضای آن را تا ماه رمضان سال بعد به جا نیاورد و دوم اینکه او چنین عزمی ندارد ولی همچنان تنبلی کرده و به تاخیر می اندازد ، صاحب عروة در این دو صورت قائل است که هم قضا بر گردن اوست و هم كفارة ی تاخیر و دلیل مسئله همان سه روایتی است که خواندیم .

خوب و اما در اینجا یک روایت متعارض هم وجود دارد و آن خبر ۷ از همین باب ۲۵ می باشد ، خبر این است : « بِإِسْنَادِهِ (شيخ طوسی) عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ مَرِيضاً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يَصِحُّ بَعْدَ ذَلِكَ فَيُؤَخِّرُ الْقَضَاءَ سَنَةً أَوْ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَكْثَرَ مَا عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ قَالَ